

سیدرسول موسوی^۱

این همایش پس از اجرای سرود ملی و تلاوت آیات کلام‌الله مجید با پیام سیدمحمد خاتمی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران که توسط آقای علیرضا معیری معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه قرائت گردید افتتاح شد. رئیس جمهوری اسلامی ایران در بخشی از پیام خود اظهار داشتند: جمهوری اسلامی ایران که همواره در کنار مردم مظلوم افغانستان و در مقابله با اشغالگری، ناامنی، تحجر و تروریسم بوده است با شروع دوران آرامش و ثبات افغانستان در صف مقدم بازسازی این کشور قرار گرفت و آمادگی خود را برای شرکت در تمامی زمینه‌های عمرانی، آموزشی، علمی و فرهنگی بازسازی افغانستان اعلام کرد و براساس نیازهای دولت افغانستان زمینه‌هایی چون جاده‌سازی، برق‌رسانی و همکاری‌های علمی و آموزشی را با شتابی شایسته پیش برد.

گسترش امنیت و صلح و تسریع روند بازسازی افغانستان از جمله امور انسانی است که برای همه کشورهای جهان نیز سودمند است. از این رو انتظار می‌رود در این همایش راه کارهای مؤثر برای تثبیت و گسترش امنیت و صلح در افغانستان و چگونگی افزایش توجه عملی جامعه جهانی به مشارکت در بازسازی افغانستان مورد توجه قرار گیرد. پس از قرائت پیام رئیس جمهوری اسلامی ایران دکتر کمال خرازی سخنرانی خود را ایراد نمودند. ایشان در سخنرانی خود با اشاره به ویژگی‌های خاص روابط ایران و افغانستان که ناشی از همسایگی، قرابت تاریخی و اشتراکات اجتماعی و فرهنگی است اظهار داشتند: زیربنای اصلی و اساسی روابط سیاسی و اقتصادی میان دو کشور را

۱. دکتر سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات استراتژیک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

پیوستگی‌های عاطفی و فرهنگی مردم دو کشور تشکیل می‌دهد. بر همین اساس هیچ تحول سیاسی و حکومتی در این یا آن کشور و هیچ رویداد داخلی یا خارجی نمی‌تواند براساس مستحکم روابط مردمی میان دو کشور خللی وارد آورد.

دکتر خرازی در ادامه سخنرانی خود ضمن اشاره به تحولات یک سال گذشته افغانستان مانند انتقال آرام قدرت از دولت اسلامی افغانستان به اداره موقت افغانستان، برگزاری اجلاس لویه جرگه اضطراری و انتخاب مجدد حامد کرزای به‌عنوان رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، تغییرات وسیع و بنیادی در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی افغانستان، آزادی زنان و کسب نقش موثر در جامعه و ورود آن‌ها به مدارس و دانشگاه‌ها و ادارات اظهار داشتند: جمهوری اسلامی ایران همانطور که در زمان مبارزه با طالبان و القاعده در کنار مردم افغانستان قرار گرفت، پس از سرنگونی رژیم متحجر طالبان نیز با مشارکت مسؤولان در نشست‌های سازمان ملل متحد در ژنو، بن و لویه جرگه اضطراری نقش سازنده خود را ادامه داد. جمهوری اسلامی ایران با تشویق گروه‌های افغانی برای همگرایی با یکدیگر و همکاری با سازمان ملل متحد و نماینده ویژه دبیرکل و همچنین تشویق فرماندهان محلی برای ایفای نقش ملی و تقویت روابط آنان با دولت مرکزی، از روند تحولات سیاسی افغانستان حمایتی همه‌جانبه به‌عمل آورد. علاوه بر این، ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه فوری به مناطق مختلف، آغاز عملیات جاده‌سازی و برق‌رسانی به غرب افغانستان، فعال کردن مسیر ترانزیت کالا به افغانستان از طریق بندر چابهار، افتتاح بیمارستان در زرنج، کمک به دانشگاه‌ها و اساتید دانشگاه، آموزش و تجهیز ۴۰۰ پلیس شهری، احیای تئاتر و سینمای افغانستان از طریق سازمان‌های غیردولتی ایرانی، اختصاص ۶۰ میلیون دلار کمک بلاعوض، سوادآموزی کودکان به‌ویژه دختران افغانی توسط نهادهای دولتی و خصوصی ایرانی، اعطای فرصت تحصیلی در رشته‌های مختلف به‌ویژه به جوانان مهاجر افغانی و پناه دادن به بیش از ۲ میلیون آواره از جمله اقدامات همه‌جانبه و فوری جمهوری اسلامی ایران برای کمک به استقرار صلح و ثبات در افغانستان و حمایت عملی از دولت قانونی این کشور می‌باشد.

سفر جناب آقای خاتمی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران به کابل که در واقع اولین سفر یک رئیس دولت خارجی بعد از نشست لویه جرگه اضطراری بود، نشان‌دهنده عزم راسخ جمهوری اسلامی ایران برای حمایت عملی از دولت و ملت افغانستان است.

دکتر خرازی پس از طرح مطالب فوق‌الذکر اظهار داشتند: به‌رغم موفقیت چشمگیر جامعه جهانی برای بازگرداندن صلح و ثبات نسبی به افغانستان، هنوز هم این کشور با چالش‌های جدی مواجه است. افغانستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود به‌عنوان کشوری حائل، از تحولات سیاسی و اجتماعی دنیای معاصر به دور بوده است. هر نوع تحول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این کشور در درجه اول مستلزم تقویت و تسریع روند ملت‌سازی در این کشور است. وضعیت گذشته بر پایه طرز تفکر ملوک‌الطوایفی حاکم و گروه‌بندی‌های قومی و قبیله‌ای، زبانی و مذهبی، نژادی و جنسی می‌باید در این کشور برجسته شده و هر فرد افغانی در افغانستان صرفاً با هویت ملی خود و به‌عنوان یک افغانستانی شناسایی شود. در تحول ملت‌سازی همین‌طور ضرورت دارد روحیات ملی را بر مدارا، مساوات، عدم تبعیض، تخصص و شایسته‌سالاری پایه‌ریزی نمود و تبعات منفی کشورهای ملیت‌نایافته نظیر خاندان‌گرایی و تبارگرایی و رتبه‌بندی انسان‌ها را در جامعه زدود.

دکتر خرازی با بیان مشکلات و چالش‌های پیش‌روی افغانستان مانند ضرورت استقرار کامل امنیت، مبارزه با مواد مخدر، شکل‌گیری ارتش ملی، پلیس و نظام قضایی افغانستان و عدم تمکین بعضی مقامات محلی از دولت مرکزی و دخالت‌ها و رقابت‌های غیرسازنده تعدادی از کشورهای خارجی در افغانستان اظهار داشتند: ضرورت دارد به این موضوع توجه شود که چنانچه تعهدات جامعه جهانی در کمک به افغانستان تحقق نیابد و سرمایه‌گذاری اقتصادی، تجاری و مالی لازم در این کشور به‌عمل نیاید، تضمینی برای عدم بازگشت به روزهای تلخ جنگ داخلی، تحجر و برادرکشی وجود نخواهد داشت و این کشور مظلوم و مردم ستمدیده آن مجدداً به فراموشی سپرده خواهند شد. لذا مایلیم نسبت به بروز و ظهور چنین روندی در افغانستان هشدار داده و از جامعه جهانی برای شروع اقدامات اساسی در افغانستان به‌ویژه در زمینه‌های

بازسازی و مبارزه اساسی و اصولی با مواد مخدر دعوت به عمل آورم. جمهوری اسلامی ایران خواستار آن است که جامعه جهانی به تمام تعهدات خود در این زمینه اقدام نماید ضمن آن که خود نیز در این راه به تمام تعهدات خود جامعه عمل خواهد پوشاند.

جمهوری اسلامی ایران از وجود دولتی قوی، باثبات و آزاد در همسایگی خود با اقتصادی خود روینده و پویا استقبال می‌کند و آماده است همه نوع مساعدت و همکاری را که از او ساخته باشد در این زمینه به عمل آورد.

همایش افغانستان چشم‌انداز تحولات آتی در شش جلسه کاری موضوعات مختلف مربوط به افغانستان را مورد بحث و بررسی قرار داد این شش جلسه عبارت بودند از:

جلسه اول: روند بن و نیازهای آینده افغانستان

جلسه دوم: آینده افغانستان و مسؤولیت جهانی

جلسه سوم: قانون اساسی آینده: تثبیت صلح، امنیت و توسعه

جلسه چهارم: نیازهای اقتصادی توسعه افغانستان

جلسه پنجم: چالش‌های پیش‌روی

جلسه ششم: اولویت‌های سیاسی و اقتصادی افغانستان

در جلسات مختلف این همایش در مجموع ۳۰ عنوان مقاله توسط سخنرانان مختلف ارائه گردید که در زیر فزاهایی از چند مقاله آورده می‌شود:

سیاوش زرگر یعقوبی؛ مدیرکل سابق آسیای غربی وزارت امور خارجه اظهار داشت:

اجلاس بن یک شبه اتفاق نیفتاد، شاید از یک سال قبل کارها شروع شده بود. طالبان تلاش داشتند تا با تصرف تمام افغانستان سیطره خود را در این کشور حاکم کنند و با کمک همسایگان و دیگر حامیان عرب خود تلاش می‌نمودند در سطح جهانی به رسمیت شناخته شوند. اختلافات امریکا با طالبان بیشتر اختلافات تاکتیکی بود تا ایدئولوژیک. تعدادی از طالبان در امریکا دوره دیده بودند امریکایی‌ها با طالبان در قطر مذاکره نمودند و تصور می‌کردند که از طریق نزدیک شدن به طالبان می‌توانند بن لادن را دستگیر نمایند.

سازمان ملل از طریق نماینده خود و ندرل در این مقطع زمانی تلاش می‌نمود از طریق نزدیک ساختن گروه‌های مختلف افغانی به یکدیگر هم‌زمان با نزدیک ساختن کشورهای ذی‌نفع در افغانستان به یکدیگر به یک راه‌حل تفاهم‌آمیز در افغانستان برسد که نتیجه چنین تفکری زمینه‌ساز تشکیل جلسات ۲+۶ بود.

هنگامی که احمدشاه مسعود در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌شهادت رسید هنوز این باور در سطح جهان شکل نگرفته بود که طالبان و القاعده خطر اصلی برای صلح و ثبات منطقه و جهان هستند. مذاکراتی که در این مقطع زمانی در ژنو برگزار می‌شد مؤید این نکته است. واقعه ۱۱ سپتامبر و ایستادگی طالبان در حمایت از القاعده و بن‌لادن باعث گردید که موضوع حذف طالبان در دستور کار جامعه جهانی قرار گیرد که اجلاس بُن در همین راستا تشکیل یافت. اجلاس بُن فرمول چگونگی تشکیل دولت آینده افغانستان براساس جمع‌بندی مطالب مطرح شده در جلسات ژنو را تعریف نمود.

اکنون یک‌سال از سقوط طالبان و به‌روی کار آمدن دولت موقت جدید می‌گذرد مسائل متعددی پیش روی افغانستان قرار دارد که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. تشکیل ارتش ملی: در حال حاضر ۳۰۰ هزار نیروی مسلح در افغانستان وجود دارد و گفته می‌شود حدود ۵ میلیون قبضه اسلحه سبک در دست افراد مختلف پخش می‌باشد. قرار است افغانستان یک ارتش ۷۰ هزار نفری داشته باشد. تشکیل این ارتش در این اندازه با آن تعداد نیروی مسلح و اسلحه موجود یکی از مشکلات مهم افغانستان به‌شمار می‌آید.

۲. پلیس و نظام حقوقی افغانستان هنوز شکل نگرفته و از برنامه پیش‌بینی شده در توافقنامه بُن عقب مانده است.

۳. انتخابات لویه جرگه و ریاست جمهوری مستلزم داشتن وزارت کشور برای دولت و کارت‌شناسایی برای افراد است که هنوز این موضوع راه‌حل قطعی خود را پیدا نکرده است.

۴. پیش‌بینی می‌شود در سال کشاورزی آینده ۵ هزار تن مواد مخدر تولید شود که حدوداً دو برابر تولید دوران طالبان است.

۵. تعداد افراد مسلح وابسته به طالبان حدود ۶۰ هزار نفر و تعداد افراد شبکه القاعده حدود ۶ تا ۷ هزار نفر تخمین زده می‌شود. از بین افراد شبکه القاعده حدود هزار نفر دستگیر شده‌اند که این موضوع نشان می‌دهد که هنوز خطر افراد مسلح طالبان و القاعده از بین نرفته‌است.

محمی‌الدین مصباحی؛ مدیر مرکز مطالعات آسیای مرکزی (دانشگاه فلوریدا - آمریکا) در سخنانی اظهار داشت: اگر بخواهیم سیاست آینده آمریکا را در افغانستان درک کنیم باید تلاش کنیم تا الگویی را که آمریکایی‌ها از صحنه سیاست و اقتصاد افغانستان بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان در افغانستان تصویر می‌نمایند بشناسیم و بدانیم که چگونه به این الگو نگاه می‌کنند، در این ارتباط باید به پنج عامل توجه شود:

اول: ضرورت توجه به "تصویر شخصی آمریکایی‌ها از خود"

در داخل آمریکا این گونه تبلیغ می‌شود که آمریکایی‌ها به فکر خیر عمومی و خیر جهانی هستند. آمریکا کشوری دلسوز و سخاوتمند برای جامعه بشری است و آنچه که آمریکا را به افغانستان کشانده این تفکر است. در این تصویرسازی داخلی تاریخ بازسازی آلمان، ژاپن و اروپا پس از جنگ جهانی دوم الگوی رفتاری محسوب می‌شود و موارد غیر موفق مانند حوزه کارائیب و آسیای شرقی مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

دوم: ضرورت توجه به رابطه بازسازی با ثبات و امنیت

مبنا و ریشه این تفکر در آن است که برای برقراری ثبات و امنیت ضروری است به بازسازی اقتصادی افغانستان توجه شود. در این الگوی رفتاری راه‌حل بی‌ثباتی تلاش برای بازسازی معرفی می‌شود که در نتیجه بسط چنین تفکری جنگ توجیه اخلاقی پیدا می‌کند به این معنی که برای برقراری و امنیت و از بین بردن بی‌ثباتی توجه به بازسازی در کنار جنگ ضروری است و بعد از جنگ باید شرایط بهتری نسبت به قبل از جنگ در کشور حاکم گردد.

سوم: ضرورت توجه به وزن سیاسی افغانستان در داخل آمریکا

در آمریکا فرهنگ سیاسی خاصی حاکم است. اگر موضوعی فاقد وزن سیاسی لازم باشد

از صحنه سیاست حذف می‌گردد و از ذهن امریکایی‌ها پاک می‌شود. افغانستان چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی اگر نتواند مورد توجه افکار عمومی امریکا قرار بگیرد نخواهد توانست مساعدت‌های امریکا را به‌خود جلب کند.

چهارم: ضرورت توجه به هزینه‌های اقتصادی بازسازی افغانستان

مسئولیت تأمین هزینه‌های بازسازی افغانستان برعهده کیست؟ امریکایی‌ها به‌دنبال آن هستند که هزینه‌های بازسازی افغانستان را بین‌المللی کنند که این موضوع خود به‌معنی کوتاه‌آمدن در قبول مسئولیت‌های بازسازی این کشور است.

پنجم: ضرورت توجه به مسائل سیاسی افغانستان

امریکایی‌ها در عین این‌که می‌خواهند هزینه‌های بازسازی افغانستان را بین‌المللی کنند مایل نیستند مسائل سیاسی افغانستان مسائل بین‌المللی باشد و در این راستا نوعی انحصارطلبی دارند.

حال با توجه به عوامل پنج‌گانه فوق اگر بخواهیم نمونه‌های بازسازی بعد از جنگ را در جهان در نیم قرن گذشته بررسی کنیم و یک خط شاخص داشته باشیم که در یک سر آن جمهوری هائیتی قرار دارد و در سر دیگر آن آلمان و ژاپن سؤال این است که افغانستان در کجای این خط شاخص قرار دارد؟ هائیتی به‌رغم جمعیت کم خود با فاجعه اقتصادی روبرو است. طرح مارشالی برای افغانستان وجود ندارد تا به فرض آینده‌ای چون آلمان و ژاپن داشته باشد. تعهدات، روی کاغذ می‌باشد. تعهدات در محیطی غیر ایدئولوژیک و غیر سیاسی امکان اجرا شدن دارند و این‌ها مسائلی هستند که آینده بازسازی افغانستان را تعیین خواهند نمود.

عبدالکریم پاکزاد؛ عضو کمیته روابط بین‌الملل حزب سوسیالیست فرانسه گفت: افغان‌ها به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خود مایلند که بگویند کشورشان در قلب آسیا قرار دارد؛ اما باید گفت که امروز این کشور در قلب منطقه‌ای با تنش‌ها و بحران‌های فراوان قرار گرفته که ابعاد برخی از آن‌ها از چارچوب منطقه هم فراتر می‌رود.

بی‌ثباتی افغانستان با حمله شوروی در پایان سال ۱۹۷۹ به این کشور آغاز شد. این حمله

ساختار سیاسی و اداری افغانستان را برهم زد و روابط قدرت‌های قومی که قدرت دولتی از یک قرن پیش بر مبنای آن بود در هم شکسته شد. مردم افغانستان یک پارچه در مقابل این هجوم مقاومت کردند؛ اما متأسفانه نتوانستند از این موقعیت برای پایه‌ریزی ستون‌های یک ملت واقعی استفاده کنند و مبارزه آن‌ها در صحنه نظامی با تقسیمات سیاسی و ایدئولوژیک همراه باشد و همین بی‌ثباتی و فقدان امنیت سبب ظهور طالبان شد. چگونگی رابطه افغانستان با پاکستان یکی از کلیدهای آینده افغانستان است. منازعات افغانستان با پاکستان به زمان پیدایش پاکستان بر اثر تجزیه هند بر می‌گردد. سیاست پاکستان در افغانستان بر دو محور اصلی استوار است. اول از بین بردن هرگونه تهدیدی که متوجه امنیت پاکستان به‌عنوان همسایه افغانستان (نظیر آنچه در دوران اشغال شوروی مطرح بود) و دوم این‌که پاکستان سعی دارد افغانستان را به‌عنوان متحد استراتژیک خود در مقابل هند داشته باشد. نتیجه این سیاست آن است که اولاً ناسیونالیسم افغانی تضعیف شود و در کابل دولتی ضعیف روی کار باشد.

دل‌مشغولی ایران در رابطه با حفظ امنیت خود در منطقه‌ای که با تنش و بی‌ثباتی همراه است سبب شد تا ایران نتواند سیاستی مؤثر بر افغانستان داشته باشد. هدف اصلی ایران در افغانستان بازگرداندن آرامش و ثبات این کشور است. ایران درگیر قاچاق مواد مخدر افغانستان و حضور دو میلیون پناهنده افغانی در خاک خود است. به‌عبارت دیگر باید گفت سیاست ایران در قبال افغانستان یک سیاست تدافعی است نسبت به سیاست پاکستان در قبال افغانستان که همیشه یک سیاست تعارضی بوده است.

موافقتنامه بن‌رامی توان به ۳ بخش تقسیم کرد: ۱. ایجاد دولتی که کاملاً بیانگر حقایق باشد؛ ۲. ایجاد نهادهای شفاف و دموکراتیک؛ ۳. بازسازی اقتصادی و اجتماعی. متأسفانه هیچ‌یک از این موارد به شیوه رضایت‌بخشی پیش نرفته است.

بازسازی زیربنایی اقتصادی افغانستان عملاً آغاز نشده است. زیرا این بازسازی به‌گفته مسؤولان افغانی نیازمند ۲۰ میلیارد دلار هزینه برای مدت پنج سال است؛ در حالی که وعده جامعه بین‌المللی از ۴/۷ میلیارد دلار تجاوز نمی‌کند و فقط ۱/۳ میلیارد دلار از این منبع به

افغانستان رسیده است.

براساس منابع رسمی سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ بین ۶۹ تا ۷۹ هزار هکتار زمین زیر کشت خشخاش قرار دارد و این موضوع یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی منطقه است. به گفته کرزای در دومین کنفرانس بُن، دولت کابل نمی‌تواند علیه کشت خشخاش مبارزه کند چرا که منبع مهم درآمد پشتون‌ها است. حمایت امریکا از سران نظامی افغان طی عملیات نظامی علیه طالبان به تقویت نهادهای دولتی کمک نکرده است. هدایت سربازان آمریکایی به مناطق پشتون‌نشین موجب بی‌اعتمادی به دولت مرکزی و تقویت بی‌ثباتی شده است.

هیسانه ناکاناشی؛ استاد دانشگاه ناگویا از ژاپن اظهار داشت: مقاله من به این موضوع اختصاص یافته است که چگونه ایران و ژاپن می‌توانند در بازسازی افغانستان با یکدیگر همکاری کنند. یکی از برنامه‌های ژاپن برای مشارکت در بازسازی افغانستان مساعدت به بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی مانند شبکه‌های ارتباطی، فن‌آوری اطلاعات و پروژه‌های برق‌رسانی است که در این موارد فن‌آوری و سرمایه ژاپنی می‌تواند به خوبی با قدرت تکنیکی و مزیت‌های ارتباطی ایران تلفیق شده و در بازسازی افغانستان تأثیر به‌سزایی بگذارد.

فرهنگ و زبان مشترک ایران با افغانستان مزیت دیگری برای ایران است که می‌تواند از این طریق مشارکت دیگر کشورها از جمله ژاپن را در بازسازی افغانستان جذب نماید. در همین راستا، در بخش آموزش ایران می‌تواند نقش بسیار زیادی در ارتقاء توانایی‌های آموزشی افغانستان داشته باشد.

میخائیل شاه محمود؛ پژوهشگر روسیه در سخنانی گفت: در تئوری نظامی آمریکایی‌ها این‌گونه مطرح می‌شود که جنگ امریکا در افغانستان زودگذر خواهد بود اما واقعیت‌های کنونی به شکل دیگری است و روند مسائل نظامی در افغانستان شکل دیگری دارد.

دولت کرزای و دولت امریکا برای استقرار امنیت کامل نیازمند خلع سلاح کامل در افغانستان هستند که این موضوع از سه طریق ممکن است: ۱. زمین گذاشتن سلاح‌ها توسط افراد مسلح؛ ۲. خرید اسلحه مردم توسط دولت؛ ۳. تشکیل ارتش ملی.

واقعیت‌های افغانستان مؤید این نکته است که هیچ‌یک از سه شرط فوق در افغانستان کنونی کارایی لازم را ندارد. در زمان شوروی هم خواستند سه راه حل فوق را جلو ببرند اما موفق نگردیدند و انزجار مردم بیشتر شده است.

ارتش وقتی ملی است که مردم آن را پشتیبانی کنند. اما بکار گرفتن افراد مسلح افغانی توسط امریکا موجب شده است که این افراد از طرف مردم افغانستان طرد شوند لذا چنانچه ساختار ارتش ملی بخواهد با حضور چنین افرادی تشکیل گردد قطعاً مشکلات جدی به وجود خواهد آمد.

ویلیام فوخلسانگ مولف کتاب افغان‌ها از هلند گفت: هر چند هنوز مشکلات زیادی در افغانستان وجود دارد اما وضعیت ناامیدکننده نیست. کسی نباید انتظار نتایج سریعی در افغانستان داشته باشد. دولت افغانستان هنوز در دوران طفولیت خود می‌باشد و باید برای ایجاد یک دولت مستقل زیرساخت‌های لازم را بوجود بیاورد.

تنفر از قدرت‌های خارجی در افغانستان ریشه در تاریخ دارد ولی در حال حاضر نباید نسبت به این مسأله حساسیت نشان داد تا حضور دولت مرکزی در تمامی نواحی ملموس شود. باید سلاح‌های مردم جمع‌آوری شود تا دولت مرکزی استقرار پیدا کند. مردم باید به دنبال دولت مرکزی باشند نه دولت‌های محلی کشورهای خارجی. در اجلاس اسلو که آقای کرزای حضور داشت کمک مستقیم به دولت مرکزی بحث اصلی بود. باید این کمک‌ها بیشتر شود تا کرزای بتواند به تعهدات خود عمل کند.

عرفانی؛ وزیر مشاور در امور اقوام از افغانستان اظهار داشت: من در کل، تحولات افغانستان را مثبت ارزیابی می‌کنم. مردم در یک سال گذشته نفس راحتی کشیدند. امنیت به‌طور نسبی حاکم شده است. اما بقایای طالبان و القاعده باقی مانده‌اند.

درست است که کمک‌هایی وعده داده شده اما هنوز آن طور که مورد انتظار است بازسازی شروع نشده است. افغانستان باید با کمک جامعه جهانی از وضعیت اسفبار کنونی خود نجات یابد.

اوکسانا آنتوننکو؛ محقق موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک از انگلستان گفت: افغانستان منبع بی‌ثباتی در آسیای مرکزی است و کاتالیزور تحولات منطقه می‌باشد. با پایان جنگ داخلی در افغانستان توجه جامعه جهانی به منطقه بیشتر شده است و به نظر می‌رسد شرایط تشکیل یک نهاد منطقه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی آماده شده است.

هر چند در حال حاضر در منطقه نهادهایی برای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی شکل گرفته است اما به نظر من این نهادها کارایی لازم را ندارند. برای حل مشکلات بازسازی افغانستان باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. شناخت دقیق موانع؛

۲. توسعه زیر ساخت‌ها؛

۳. تکمیل روند امنیت.

مصطفی اللباد؛ پژوهشگر مصری اظهار داشت: کنفرانس بُن یک مجمع چندجانبه بین‌المللی برای توجه بیشتر به مسأله افغانستان بود. نتیجه مذاکرات بُن توزیع مجدد قدرت بین ازبک‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و پشتون‌ها بود. این فرایند باعث افزایش نقش ائتلاف شمال گردید. دو قدرت منطقه‌ای ایران و پاکستان نقش مهمی در آینده افغانستان خواهند داشت و پیش‌بینی می‌شود بسیاری از شخصیت‌های سنتی کنار رفته و شخصیت‌های جدی ظهور کنند. ربانی تحت فشار بین‌المللی مجبور به تقسیم قدرت شد. پشتون‌ها به افزایش حضور تاجیک‌ها در قدرت اعتراض داشته اما لویه جرگه به این اعتراض‌ها خاتمه داد.

عبدالحمید مبارز؛ رئیس کمیسیون رادیو و تلویزیون ملی افغانستان و معاون مطبوعاتی وزارت اطلاعات و فرهنگ اظهار داشت: دربارهٔ آینده افغانستان سخنان بی‌مناک زیادی می‌شنویم اما من آدم خوش‌بینی هستم و بسیار به آینده افغانستان امیدوارم. جنگ در افغانستان با دخالت ابرقدرت شرق شروع شد و در طول ۲۴ سال همه ساختارها و زیرساخت‌های کشاورزی، اداری، سیاسی و اقتصادی ما ویران شد. وقتی دولت آقای کرزای تشکیل شد همه چیز ویران بود. در مدت ۶ ماه کار زیادی انجام شد تا جایی که موسسات توانستند روی پای خود

بایستند. هیچ کشور ویرانی را نمی‌توان در کوتاه‌مدت آباد کرد.

راندل؛ عضو هیأت علمی دانشگاه دورهام انگلستان گفت: در قانون اساسی ۱۹۶۴ افغانستان آمده است که باید به شریعت اسلامی، شرایط زندگی و ضرورت‌های زمانه در تدوین قوانین افغانستان توجه شود. توجه به ضرورت زمان فکر می‌کنم از خواص شیعه است در حالی که جوامع قبیله‌ای در برابر شیوه تغییر خیلی مقاوم هستند.

قوانین اساسی کشورهای دیگر برای افغانستان مناسب نیست زیرا افغانستان فرهنگ خاص خود را دارد و یک جامعه چند قومی است و باید قانون اساسی افغانستان به این موضوع توجه کامل داشته باشد.

سیدحسین عالمی بلخی؛ مدیر مسؤول هفته‌نامه راه نجات افغانستان اظهار داشت: بیش از ۲۰ سال جنگ، ضایعات بی‌شماری در افغانستان بوجود آمده است که مهم‌ترین آن مفقود شدن یک نسل و بی‌سواد ماندن نسل دیگر است. با آغاز جنگ یک نسل تحصیل‌کرده‌های ما کشور را ترک کردند و به کشورهای همسایه یا کشورهای غربی پناهنده شدند و فعلاً هم عده کثیری از آنان علاقه‌ای برای بازگشت به کشور ندارند. نسل دیگر در اثر جنگ طولانی و از بین رفتن زمینه تحصیل بی‌سواد مانده‌اند. افغانستان دو نسل خویش را که باید همپای تمدن بشری پیشرفت می‌کردند از دست داده است. در شرایط حاضر مهم‌ترین موضوع در بازسازی افغانستان می‌تواند جامعه‌سازی باشد. باید دنیا مردم افغانستان را در ساختن جامعه نوین، جامعه آشنا با علوم و فن‌آوری نوین و حقوق قانونی مردم در اجتماع، داشتن قانون اساسی که حقوق اساسی دولت و ملت را مشخص نماید ضمانت‌های اجرایی قانون و انگیزه دادن عامه مردم برای نظارت بر اجرای صحیح قانون و در نتیجه ساختن "جامعه مدنی" کمک نماید. در قانون اساسی آینده باید تبعیضات نفی گردد و تبعیض مذهبی وجود نداشته باشد و مذهب جعفری در کنار مذهب حنفی رسمیت داشته باشد. تبعیض علیه زنان وجود نداشته باشد و حقوق اساسی آنان مطابق با روح قانون اساسی تضمین گردد. جدایی دین از سیاست، جدایی ارتش از سیاست و تضمین آزادی فعالیت سیاسی مطبوعاتی و تشکیل احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی در قانون

اساسی باید رسمیت پیدا کند. البته دین در متن زندگی مردم افغانستان همیشه نقش اساسی ایفاء نموده و در تمامی قوانین اساسی گذشته افغانستان این موضوع به رسمیت شناخته شده است.

خطر القاعده و بروز مجدد تروریسم در افغانستان هنوز وجود دارد و آرزو مندیم که اصطکاک و تضاد منافع کشورهای کمک کننده موجبات بروز مجدد تروریسم را در کشور ما فراهم نسازد. حق نظر نظروف؛ محقق انستیتو شرق شناسی تاجیکستان اظهار داشت: اگرچه جنگ های طولانی افغانستان در بیست سال آخر قرن بیستم از طرف شوروی ها و پاکستانی ها بر مردم افغانستان تحمیل شد. ولی علل اصلی آن ها همانا حزب سازی ها و حزب بازی های سیاسی بود.

هرگاه سخن از تمجید جبهه مقاومت ملی (افغانستان) به عمل آید نمی توان نقش مهم جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان را نادیده گرفت. آن ها برخلاف دیگر کشورهای خرد و بزرگ و دور و نزدیک جهان سیمای منفور طالبان را از پیش شناختند و برای کامیابی و پیروزی جبهه مقاومت ملی افغانستان به طور همه جانبه مساعدت نمودند.

نیشی مورا؛ نماینده ویژه ژاپن در امور افغانستان نیز اظهار داشت: علاقمندی ژاپن به مشارکت در بازسازی افغانستان موضوع جدیدی نیست بلکه این موضوع به ادامه همکاری های ژاپن با افغانستان در دهه های گذشته باز می گردد. تلاش ما بر آن است تا افغانستان را از انزوا خارج سازیم. افغانستان می تواند شاهراه شرق باشد و برای این منظور احتیاج به سیستمی باز، شفاف و پاسخگو دارد. تکرگرایی و دموکراسی اجتناب ناپذیر است. افغانستان باید در سیستم حکومتی خود تساهل داشته باشد. هر سیستم دموکراتیک باید با مذهب سازگاری داشته باشد در غیر این صورت رهبران نمی توانند در افغانستان بین مردم جای داشته باشند. آشتی ملی بین قومیت های افغانی باعث کم شدن دخالت خارجی می گردد. گام اول تشکیل ارتش ملی در افغانستان خلع سلاح است و ژاپن در این بخش به شکل خارجی ایفا نقش می کند. به این صورت که از طریق اجرای برنامه های اقتصادی و اجتماعی تلاش می کند تا افرادی را که خلع سلاح

می‌شوند در دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی به کار وا دارد.

کریستین برگ؛ پژوهشگر از نروژ اظهار داشت: مردم افغانستان نسبت به وضعیت امنیتی کنونی دیدگاه مثبتی دارند. اگر واقع‌گرایانه ببینیم مردم از دخالت امریکا استقبال کرده‌اند. هر چند امریکایی‌ها چارچوب کاری خودشان را دارند اما حضور آن‌ها باعث شده است تا همسایگان در امور افغانستان دخالت نکنند. بازگشت پناهندگان به افغانستان نقش مهمی در بازسازی افغانستان دارد. پناهندگان افغانی در ایران تحصیلات خوبی دارند و بازگشت آن‌ها به افغانستان باعث بهبود وضع آموزشی در افغانستان می‌گردد. اما ضروری است استراتژی لازم برای بازگشت پناهندگان به افغانستان وجود داشته باشد و مانع مهاجرت مجدد پناهندگان گردد.

سیب‌داس؛ مسؤل دفتر برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) اظهار داشت: یک سال پس از ۱۱ به نظر می‌رسد وضعیت اضطراری در افغانستان در حال اتمام است و مرحله جدیدی که بحث توسعه و عمران می‌باشد آغاز شده است. این مرحله خود دارای چالش‌ها و خطرات ویژه‌ای است. نقش مهم سازمان ملل در این مرحله مشارکت کامل در تمامی برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بازسازی افغانستان است و در این راستا مساعدت به جلب سرمایه لازم برای بازسازی مهم‌ترین موضوع می‌باشد.

احیای زیر ساختارهای دموکراتیک و کوتاه کردن فاصله‌های موجود، ارتقاء سرمایه‌گذاری برای بهبود وضعیت اجتماعی و کمک به توسعه منابع انسانی از محورهای عمده مورد توجه برنامه عمران ملل متحد است. اولویت‌های ما ایجاد ظرفیت‌های ملی و محلی است. میرزا اسلم بیگ؛ رئیس موسسه فرندز از پاکستان گفت: نمی‌توان گفت که وضعیت مناسبی برای بازسازی افغانستان وجود دارد. اگر نیروهای ائتلافی موجود از افغانستان خارج شوند افغانستان از هم پاشیده خواهد شد. اگر امریکایی‌ها بیرون بروند جنگجویان مجدداً ظاهر خواهند شد و این مسأله امنیت را بسیار شکننده می‌کند. از سوی دیگر، امریکا که رژیم افغانستان را تغییر داده به نظر نمی‌رسد که کار دیگری انجام دهد. زیرا الان امریکا به فکر حمله به عراق است و همین مسأله باعث شده که افغانستان اولویت خود را از دست بدهد. هدف امریکا تسلط بر منابع انرژی

خاورمیانه و آسیای مرکزی است و باید جایگاه افغانستان در این مجموعه مورد بررسی قرار گیرد و افغانستان در وسط این منطقه قرار دارد.

سیدمحمدکاظم سجادپور مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی اظهار داشت: بحث افغانستان همیشه منتج از سه لایه و تحول و واکنش متقابل بوده است. داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی. همیشه این سه عنصر در ارتباط با هم بوده‌اند و همیشه یک عنصر بین‌المللی در افغانستان دخیل بوده است. افغانستان مانند ایران یک کشور بین‌المللی است یعنی شرایط بین‌المللی تأثیر زیادی بر شرایط داخلی این کشور دارد. بنابر این، سؤال این است که شرایط کنونی بین‌المللی چگونه است و چه تأثیری در افغانستان دارد. در شرایط فعلی سه مفهوم حائز اهمیت است. تحول در وضعیت امریکا، تداوم در بنیادهای سیستم بین‌المللی و وجود تفاوت‌ها (مانند تفاوت نگرش‌های امریکا با اروپا، تفاوت نگرش در تعریف نقش امریکا در داخل و خارج از آن، تفاوت در روابط بین مردم و دولت‌ها). امریکا بعد از پایان عملیات اولیه خود در افغانستان می‌خواهد بازیگری در افق باشد یعنی در هیچ هزینه‌ای دخیل نشود ولی پایگاه‌های نظامی خود را داشته باشد. بالاترین نفوذ سیاسی را داشته باشد ولی در ساختن دولت-ملت هیچ هزینه‌ای نپردازد.

رونگ اینگ از چین در سخنانی گفت: برای تحلیل شرایط افغانستان باید سه مسأله را در کنار هم مورد مطالعه قرار دهیم. تغییرات پس از ۱۱ سپتامبر، چالش‌ها و فرصت‌های بوجود آمده و چگونگی بهره‌گیری از فرصت‌های بوجود آمده. مهم‌ترین تغییرات پس از ۱۱ سپتامبر عبارت است از: ۱. افغانستان و منطقه جانبی آن در مرکز توجه قرار گرفته‌اند؛ ۲. افغانستان به‌عنوان محلی برای انتقال انرژی منطقه نگرسته می‌شود؛ ۳. همکاری امریکا و روسیه در مبارزه علیه تروریسم؛ ۴. ترتیبات امنیتی منطقه تغییر یافته است؛ ۵. فروپاشی نظام طالبان باعث جداسازی فعالیت‌های ملی از فعالیت‌های افراطی شده است.

محمدسیف‌الدین ارول سخنان بعدی از ترکیه اظهار داشت: القاعده و طالبان که تا اکتبر ۲۰۰۱ بیش از ۹۰٪ کشور را تحت تصرف خود داشت از بین نرفت بلکه تغییر چهره داد و الان

به‌عنوان یک نیروی تهدیدکننده امنیت به‌شمار می‌رود. مشکل دیگر در افغانستان مشروعیت رهبری است. لویه جرگه نتوانست رقابت‌های خصمانه گروه‌های افغانی را از بین ببرد. الان برخی از رهبران سابق مانند ربانی و سیاف از اوضاع ناراحت هستند؛ زیرا توسط امریکا کنار گذاشته شده‌اند. این افراد ظرفیت‌های بالقوه عملیات خرابکارانه دارند.

درگیری‌های احتمالی بین رهبران محلی یکی دیگر از خطرات امنیتی افغانستان به‌شمار می‌آید. درگیری‌های میان ژنرال دوستم و محمد عطا یکی از نمونه‌های این‌گونه درگیری‌ها می‌باشد و احتمال حمله طرفداران حکمت‌یار به امریکا از دیگر احتمالات شروع درگیری‌ها در افغانستان است.

نکات عمده مطروحه در همایش

همایش افغانستان چشم‌انداز تحولات آتی روز اول بهمن‌ماه با جمع‌بندی نکات عمده مطرح شده در همایش توسط جناب آقای معیری معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه به کار خود پایان داد. این نکات عمده به شرح زیر می‌باشد:

- برای تحولات آینده افغانستان دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. این دیدگاه‌ها در دو طیف غیر عملگرایانه قرار می‌گیرد. از نظر شرکت‌کنندگان در جلسه دیدگاه‌های افراطی بدبینانه و خوش‌بینانه نمی‌تواند مشکلات افغانستان را تحلیل و رفع نماید؛ اما با اتخاذ دیدگاهی عملگرایانه که واقعیت‌ها را شناسایی کند و هم‌زمان به رفع و حل مشکلات اقدام نماید می‌توان به تحولات آینده افغانستان خوش‌بین بود.

- واقعیت آن است که به‌رغم مشکلات موجود در افغانستان در یک سال گذشته شرایط عمومی افغانستان نسبت به دو دهه قبل شرایط بسیار خوبی بوده است. در این سال در افغانستان تحولات مثبتی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روی داد و انتقال آرام قدرت، تشکیل دولت انتقالی افغانستان، به جریان انداختن پول، تشکیل بانک مرکزی مستقل، شروع اصلاحات اداری از جمله اقدامات صورت گرفته در یک سال گذشته است.

- در کنار تحولات مثبت موضوع برقراری و تحکیم امنیت همچنان چالش مهمی در یک سال گذشته برای مردم و دولت افغانستان بوده است. از دیدگاه شرکت‌کنندگان، تهدیدهایی از وجود بقایای طالبان و القاعده باقی است.

- از دیدگاه شرکت‌کنندگان، امنیت هر چند موضوعی نسبی است با این همه توجه خاصی را جامعه جهانی به برقراری امنیت در افغانستان دارد تا این توجه در کنار مسائل اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد. مشروط کردن شروع بازسازی به برقراری امنیت کامل نمی‌تواند مشکلات افغانستان را حل کند؛ لذا ضروری است امنیت و بازسازی به موازات هم تقویت و تحکیم یابند.

- در برقراری امنیت، تشکیل ارتش ملی، پلیس و سازمان‌های مسؤول امنیت موضوعی اساسی است. جامعه جهانی باید این نکته را مورد توجه قرار دهد که سرانجام نیروهای بین‌المللی حافظ امنیت از افغانستان خارج خواهند شد؛ لذا توجه بیشتر به ضرورت تشکیل ارتش ملی، پلیس و سازمان‌های مسؤول امنیت باید در اولویت قرار گیرند.

- کشت خشکاش و تولید مواد مخدر در افغانستان همچنان مسأله‌ای تهدیدکننده برای همسایگان و جامعه بشری است. ضرورت دارد به تمامی جوانب تولید و قاچاق مواد مخدر توجهی جدی شود و برای متوقف ساختن تولید و قاچاق آن تفکر همه‌جانبه‌ای صورت گیرد.

- به‌رغم قول‌های داده شده برای بازسازی افغانستان توسط کشورهای مختلف متأسفانه بین حرف و عمل فاصله وجود دارد. توجه به این که مردم افغانستان باید در زندگی عادی خود تحول را مشاهده کنند ایجاب می‌نماید که کشورهای مشارکت‌کننده در بازسازی افغانستان اقدامات جدی‌تری را برای کمک‌های وعده داده شده به انجام رسانند.

- جامعه جهانی یک‌بار فجایع ناشی از فراموش کردن بحران افغانستان را تجربه نموده است؛ لذا ضروری است به منظور پرهیز از تکرار فجایع، این بار جامعه جهانی اجازه ندهد مسائل افغانستان به فراموشی سپرده شده و یکبار دیگر مسائل و مشکلات افغانستان به حاشیه رانده شود.

- توجه به مسائل آموزشی (عمومی و تخصصی)، فرهنگی و اصلاحات اجتماعی از مسائل

حائز اهمیت در افغانستان است. مسائل ناشی از بیش از دو دهه جنگ و اشغال این کشور باعث شده است تا صدمات سختی به بنیان‌های آموزشی و فرهنگی وارد آید. لذا ضرورت دارد توجه ویژه‌ای به مسائل آموزشی و فرهنگی در این کشور صورت گیرد.

- ضرورت توجه به دلایل کندی بازگشت مهاجران به افغانستان موضوعی جدی است. دلایل متعددی برای کندی بازگشت مهاجران به افغانستان مطرح می‌شود که این دلایل باید مورد توجه دولت افغانستان، جامعه جهانی و سازمان‌های بشردوستانه قرار بگیرد.

- نقش بنیادی و اساسی را در بازسازی افغانستان، ملت و دولت افغانستان بر عهده دارد و نباید فراموش کرد که مسؤلیت اولیه و اساسی بازسازی آن کشور بر عهده ملت و دولت آن است و جامعه جهانی به‌عنوان مساعدت‌کننده محسوب می‌شود.

- قانون اساسی هر کشور سند وحدت ملی و استقلال هر کشوری است. با توجه به این که قانون اساسی جدید افغانستان در حال تدوین است ضروری است تا تمامی معیارهایی که بتواند وحدت ملی و هویت اصیل دینی و فرهنگی، استقلال، توسعه اقتصادی و سیاسی این کشور را تضمین کند در قانون اساسی جدید مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی